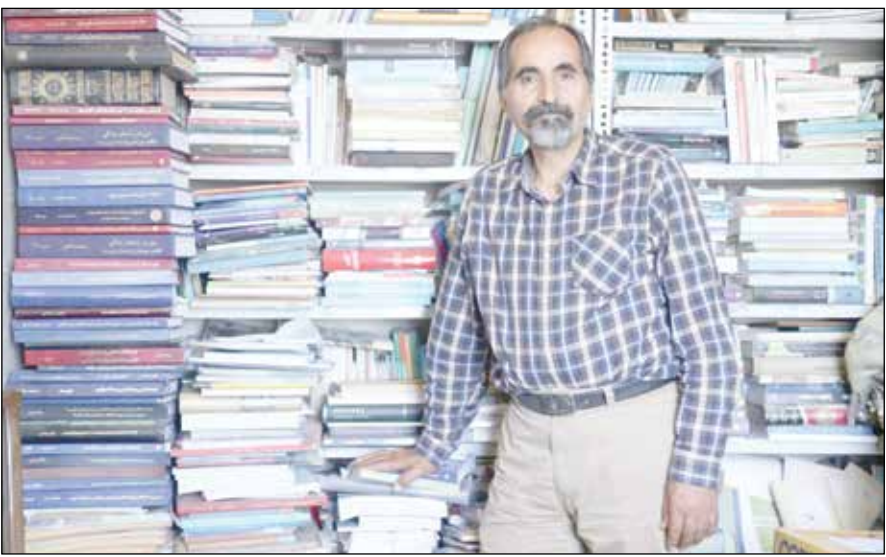


عملکرد صداوسیما و ایران اینتر نشنال شبیه به هم است

تبعیض فرهنگی اجتماعی مهمتر از تبعیض سیاسی است



بدهد و دست از کنش مدنی بکشد و شروع به ضربه‌زدن به خود کند و مسیر خودتخریبی، بی‌اخلاقی و نفی سنت‌ها و فرهنگ‌ها را در پیش بگیرد. مثلا در جامعه ایرانی می‌بینیم که برخی شروع به تخریب طبیعت می‌کنند یا در کنار مسیر آب سساختمان می‌سازند، سرزمین را نابود می‌کنند یا برخی بیگانه‌گرا می‌شوند. همه اینها نوعی خودتخریبی است که فروپاشی اجتماعی را شکل می‌دهند و قدرت

وقتی از دموکراسی سخن می‌گوییم فقط در حوزه سیاسی نیست است که یکی برنده شود و یکی بازنده، یکی رأی بگیرد و یکی کنار رود؛ بلکه دموکراسی یعنی همه افراد جامعه حق دسترسی آزاد به اطلاعات را داشته باشند. جامعه باید بتواند هم اطلاعات را مصرف کند و هم در تولید و توزیع اطلاعات نقش آفرین باشد. اگر چنین اتفاقی رخ می‌داد، رقیب رسانه ملی بی‌بی‌سی و اینترنشنال نمی‌شدند. من باور دارم اینترنشنال و صداوسیما شبیه به هم عمل می‌کنند؛ وجه اشتراک آنها رادیکالی‌بودنشان است

مسئط هم امکان بازسازی عناصر فرهنگی را نخواهد داشت و این وضعیت مدام گسترده و عمیق‌تر می‌شود. در عالم سیاست به ویژه در یک‌دهه اخیر شاهد بروز نیروهایی رادیکال در حاکمیت بودیم که گرچه مقبولیت عمومی نداشتند اما بخش قابل توجهی از قدرت سیاسی را به دست گرفتند. چگونه این فرایند طی می‌شود؟ اولین اتفاقی که رخ می‌دهد این است که خودشیفته، خودشیفته تولید می‌کند. چنین نیروهایی معمولا به شکل گلخانه‌ای تولید می‌شوند؛ سیاستمدارانی ناشناخته که ناگهان ظاهر می‌شوند و ادیبانشان معطوف به ایران نیست. آنها خود را مسلط می‌بینند و خود که در پی ایجاد تبعیض سیاسی ظهور کرده‌اند، تبعیض می‌کنند و جامعه هم در برابر اینها مقاومت می‌کند.

وقتی جامعه می‌بیند از سوی نیروهایی بی‌شناسنامه که ناگهان متولد شده و قدرت را به دست گرفته‌اند، تحقیر می‌شوند، به سمت ایدئولوژی برخورد پیش می‌رود. آنچه اکنون می‌بینیم محصول چنین شرایطی است. جامعه احساس می‌کند در حقتش تبعیض روا رفته است و گروه مسلط هم نمی‌خواهد صدای جامعه را بشنوند. جامعه کنونی از خواسته‌هایش حرف می‌زند و حتی نمی‌گوید دموکراسی می‌خواهم، بلکه می‌گوید زندگی می‌خواهم. معنای این خواسته آن است که شرایط ایدئولوژیک را بر نمی‌تابم و خواهان یک زندگی معمولی هستم. از این سو چنین خواسته‌ای وجود دارد و از آن سو یک ایدئولوژی منتقین و نیروهای محدود سیاسی که قدرت را در اختیار دارند. در این شرایط برخورد رخ می‌دهد که گاهی این برخوردها خشن هم می‌شود. اینجا نظام سیاسی دچار چالش مهمی می‌شود؛ اینکه باید به خواسته‌های جامعه تن دهد یا خشوندت دو سویه را بپذیرد.

یکی از مسائل مهم در رخ‌آورد تبعیض سیاسی انتخابات است؛ به این معنی که هر وقت مسیر

تقی آزادارمکی:

عملکرد صداوسیما و ایران اینتر نشنال شبیه به هم است

تبعیض فرهنگی اجتماعی مهمتر از تبعیض سیاسی است

طرق دیگری جز مسئولان اخبار را به دست آورده‌اند، آنها نمی‌توانند تصمیمی جامع اتخاذ کنند.

می‌شود گفت تبعیض سیاسی از دوره احمدی‌نژاد شکل تازه‌ای به خود گرفت و محسوس‌تر شد؟

قبل از او همین بوده است و در دوره آقای هاشمی هم می‌بینیم که با نیروهای مخالف دولت برخوردهای شدیدی می‌شود اما از دوره آقای احمدی‌نژاد نیروهایی که قدرت را در اختیار دارند از جامعه احساس خطر می‌کنند و به سمت یک رادیکالیسم سیاسی گسترده پیش می‌روند و همان‌طور که گفته شد در این شرایط جامعه هم به سمت مقاومت می‌رود. گروه‌های اجتماعی مختلفی شکل گرفت. احمدی‌نژاد برای نظام سیاسی مفید نبود زیرا که وقتی خودش دچار فروپاشی شد، نظام سیاسی را هم دچار بحران کرد. در این بین روی کار آمدن روحانی یک تنفسی به جامعه داد اما بعد از آن بار دیگر مسیر به حالت سابق برگشت؛ هم برای قدرت سیاسی که صرفا یک گروه را می‌دید و هم برای جامعه که باز به سمت اعتراض پیش رفت. در دو انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ مشاهده کردیم، که رقیبای سیاسی یک جناح خاص از پیش حذف شدند و انتخابات بدون رقیب هم مانند عروسی بدون عروس است؛ اسمش عروسی است اما منجر به تشکیل خانواده نمی‌شود. اکنون هم همین مسیر ادامه دارد؛ دولت آقای رئیسی یک‌سویه‌نگری را پیش گرفته است و دولت قوی‌ای هم نیست که بتواند با همین یک‌سویه‌نگری مشکلات کشور را رفع کند.شاید در هر کجای دنیا عنوان «حاکمیت یکدست» به نوعی برخوردنده باشد زیرا همه می‌دانند وقتی حاکمیت یکدست شود، عملا صدهای مختلف شنیده نمی‌شود اما همان طیف محدود سیاسی که قدرت را در اختیار داشت از جایی به بعد با اعتماد به نفس اعلام کرد که برای سامان کردن کشور بهتر است حاکمیت یکدست شود.

انگار نفی ایده‌های سیاسی دیگر به صورت گفتمان هم درآمد. درست است؟

این حالتی که اشاره کردید به دلیل آن است که خودشان از پیش احساس پیروزی کردند و نیازی ندیدند رقبیی در کار باشند. گفتند وقتی می‌شود بدون رقیب پیروز باشیم، چرا زحمت بردن را به خود بدهیم اما ندانستند که سیاست مانند همین فینال جام جهانی است. آرژانتین برنده بازی شد، قهرمان شد زیرا فرانسه بردش را به رسمیت نشناخت. چه‌طور؟ چون بعد از سه‌وت پایان بازی بازیکنان فرانسه گریستند و بر زمین نشستند. آنها با غم خود برد آرژانتین را تأیید کردند و اجازه دادند که مسی و بارشز خوشحالی کنند اما وقتی فرانسوی‌ها اصلا اجازه حضور در بازی را نمی‌یافتند، فرض کنید آرژانتینی‌ها صدبار هم دروازه خالی را باز می‌کردند، چه می‌شد؟ آیا می‌شد بر آن شرایط نام پیروزی را گذاشت؟ آیا آرژانتین قهرمان واقعی بود؟ ما باید یاد بگیریم که تیم بازنده، تیم دوم است و تیم محذوف نیست. در ایران رقیب حذف می‌شود و دوم نمی‌شود و به جای آنکه امکان تمرین برای دوره بعد را داشته باشد، حذف می‌شود. وقتی فرانسه را تیم دوم بدانیم او این امکان را می‌یابد که خود را آماده جام جهانی بعدی کند تا این بار بیاید و برای قهرمانی تلاش کند اما در سیاست ایران برای حذف‌کردن رقیب به او انواع پرچسب‌ها زده می‌شود.

حاکمیت باید در قبال جامعه چه کار کند تا حس تبعیض سیاسی رفع شود؟
حاکمیت وقتی می‌تواند با نظام اجتماعی متکثر ارتباط داشته باشد که منکر تکثر نشود، حاکمیت می‌خواهد جامعه یکپارچه باشد، درصورتی که جامعه یکپارچه نیست و متکثر است اما من تصور می‌کنم حاکمیت تمایل دارد فضای گفت‌وگو باز شود اما می‌ترسد که جامعه قبول نکند؛ به همین دلیل پا پیش نمی‌گذارد. در این شرایط نیروهای واسط و نقش آفرینی کنند. باید اجازه داده شود تا افراد ذی‌نفع‌به میدان بیایند و مسیر گفت‌وگو با مردم را باز کنند.

مهدی مطهرنیا:

برجام به عنوان آنچه در سال ۲۰۱۵ رخ داد «مرده» است



انقلابی. لذا سطح رقابت و رودرویی و دشمنی، از مقابله با آمریکا به تقابل با یک شبکه تلویزیونی منتقل می‌شود.

امروز دلار در ایران افزایش پیدا می‌کند و وزیر اقتصادی که در دولت قبلی آن گونه در ارتباط با پایین آمدن سطح تورم سخن گفته است، ناپسامانی‌ها در بازار ارز را نه به یک کشور بلکه به یک شبکه تلویزیونی منتسب به یک کشور در منطقه خاورمیانه مرتبط می‌کند. نه به وطنه‌ها و ترنفدهای امپریالیسم جهانی یعنی ایالات متحده آمریکا در گفتمان انقلابی. لذا سطح رقابت و رودرویی و دشمنی، از مقابله با آمریکا به تقابل با یک شبکه تلویزیونی منتقل می‌شود. این‌ها نشان دهنده چه چیزی است؟!

این‌ها نشان دهنده چه چیزی است؟! تحلیلیگری که الفبای تغییر را بلداند و در سازمان‌های متفاوت مربوط به سیاست خارجی کشورهای رقیب و دشمن ایران نشسته باشد می‌فهمد که وضعیت در تهران چیست؟ وی افزود، دولتی که خود را منتسب به گفتمان انقلابی می‌داند و برجام را ترک‌نماهی می‌داندست و نمایندگان طرفدار آن در مجلس قبل برجام را به‌طور نمادین آتش زدند، حالا به دنبال برگشتن به میز مذاکراتی است که عراقی تقریبا آن را به پایان رسانده بود و اسناد ناشی از روی کار آمدن دولت فعلی در ماه‌های پایانی موجب برگرد تنها در حال سرایه نام برجام و برای توجیه آن نزد افکار تمام شدن آن مذاکرات توسط دولت قبل شد. اکنون همین‌دولت که برجام را از نظر گفتمان انقلابی یک سازش و خیانت می‌دانست نه تنها نتوانسته است با

نکته

تاخیر عمدی دولت در ارائه برنامه هفتم توسعه آیا دولت به مجلس «رو دست» زد؟



دولت برنامه هفتم توسعه را باید ۱۵آبان ماه به مجلس ارسال می‌کرد، اما هنوز ارسال نکرده است.
قالیباف در جلسه سران قوا با رئیسی توافق کرده بود، دولت، برنامه هفتم توسعه را قبل از لایحه بودجه ۱۴۰۲ به مجلس تقدیم کند. اما سخنگوی دولت نیز بر خلاف آنچه مجلسی‌ها بر مقدم بودن برنامه توسعه هفتم تأکید داشتند، در جدیدترین اظهار نظرش گفته بعد از بازگشت مجلسی‌ها از تعطیلات بلدایی، لایحه بودجه به مجلس ارسال خواهد کرد. در همین حال دو نکته حائز اهمیت است. اول آنکه بابک آفتبی سرپرست معاونت امور مجلس ، حقوقی و توسعه منطقه‌ای سازمان برنامه و بودجه کشور پیش بینی کرده: «پایان فروردین‌ماه سال آینده نسخه اولیه برنامه به هیئت محترم وزیران تقدیم شود و پس از آن روند بررسی و تصویب برنامه هفتم در دولت و مجلس آغاز گردد.» این در حالی است که اکثریت نمایندگان مجلس معتقدند باید برنامه هفتم توسعه در سال جاری ارائه و قبل از تصویب بودجه سال ۱۴۰۲ در مجلس بررسی شود.

استدلال درست نمایندگان مجلس این است که برنامه هفتم توسعه سندی بالادستی است و اسناد برنامه بودجه باید بر مدار آن نوشته شود. از سوی دیگر تاخیر در تصویب برنامه هفتم توسعه، برنامه سال‌های آینده را نیز به تاخیر می‌اندازد. از این رو با تاخیر در تدوین برنامه هفتم توسعه، روند توسعه در کشور با تاخیر زمانی مواجه می‌شود. چه آنکه دولت رئیسی تاکنون یک سال از مجلس فرصت گرفته تا برنامه را بنویسد اما تاکنون این برنامه نگارش نشده و دولت رئیسی در حال اجرای برنامه ششم توسعه است که در دولت روحانی نوشته شده است.

از یک سو اگرچه رهبر معظم انقلاب ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ نیز در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، نسبت به تاخیر در ارسال برنامه هفتم انتقاد کردند و گفتند: «این برنامه قرار بود سال گذشته تدوین و از اسمال اجرایی شود که نشد اما اسمال دولت و مجلس همت نکند تا برنامه هفتم بر اساس سیاست‌های کلی نظام تدوین و تصویب شود.»

از سوی دیگر متاسفانه تاخیر در ارسال برنامه هفتم توسعه که تخلف آشکار دولت محسوب می‌شود از سوی نمایندگان مجلس یازدهم پیگیری نمی‌شود. این موضوع قبلا در گزارش خبرآنلاین به عنوان تخلف مضاعف دولت و مجلس ارزیابی شده بود که خسارت‌های ناشی از آن را اقتصاد کشور و مردم متحمل خواهند شد.

حالا این سوال مهم مطرح است که با وجود تأکید نمایندگان مجلس درباره ضرورت ارسال برنامه هفتم در سال ۱۴۰۱ و فرصت‌های داده شده به دولت، آیا مدیران دولت رئیسی در سازمان برنامه و بودجه، عملدانه برنامه هفتم توسعه را با تاخیر مواجه کرده‌اند تا آن را در اوایل سال ۱۴۰۲ ارائه کنند؟ در صورت صحت این گزاره، گویا دولت رئیسی در اندیشه تصویب بودجه ۱۴۰۲ بدون ارائه برنامه هفتم توسعه است.

این حالی است که نمایندگان مجلس و شخص قالیباف در هفته‌های گذشته، تلاش زیادی را برای قانع کردن دولت در ارائه برنامه هفتم انجام دادند اما دولت در اقدامی که به اسناد گفته‌های مسئولان سازمان برنامه و بودجه، قابل پیش بینی بوده، ارسال برنامه هفتم را قرار است تا اوایل سال جدید۱۴۰۲ به تاخیر اندازد. عمل انجام شده‌ای که مجلس را در وضعیت اجباری تصویب لایحه بودجه قرار خواهد داد، وضعیتی که از آن به «رودست سیاسی» می‌تواند پیش می‌کند.

از سوی دیگر خبرآنلاین مطلع شده، متاثر از تاخیر دولت در ارائه برنامه هفتم توسعه، مرکزپژوهش‌های مجلس از سوی قالیباف ماموریت گرفته تا نسخه‌ای مطابق نظر نمایندگان مجلس از برنامه هفتم توسعه را تهیه کند. این موضوع که در تاریخ ۷۰ ساله برنامه نویسی در ایران بی سابقه است و همیشه دولت‌ها پیشقدم در نگارش برنامه‌های توسعه‌ای کشور بودند، حالا چشم‌اندازی متفاوت از سیاست ورزی در ایران را پیش روی مردم ایران قرار می‌دهد.

در همین حال نمایندگان مجلس بیش از قبل به دولت توصیه کردند باید «برنامه هفتم توسعه براساس واقعیت‌ها تدوین شود نه آمل و آرزوها». این نمایندگان معتقدند «باید برای فناوری هسته‌ای نیز براساس واقعیت‌ها برنامه‌ریزی کرد»

دسته‌ای دیگر از نمایندگان مجلس با تأکید بر اینکه اساسا دولت‌ها برنامه گریز هستند، خطاب به دولت رئیسی گفتند «تاخیر در ارائه برنامه هفتم و بودجه سالیانه می‌تواند بررسی آن را دچار ناخستگی کند». در همین حال محسن زنگنه نماینده مجلس تأکید کرده «وقتی ما برنامه‌ای نداشته و یا آن را با تاخیر مد نظر قرار دهیم عملاً این سوال پیش می‌آید که بودجه قرار است چه اهدافی را محقق کند؟ همچنین در این شرایط این نگرانی وجود دارد که ممکن است بودجه به سمت روزمرگی و رف مسائل آن پیش رود و این مسئله به خودی خود احتمال زیادی را برای هدر رفت منابع کشور ایجاد خواهد کرد.»

انتقاد به تاخیر بیش از یکساله دولت برای ارسال برنامه هفتم توسعه به اینجا ختم نشده است. احد آزادی خواه نماینده ملایر و عضو کمیسیون کشاورزی با تأکید بر اینکه «دولت حتما باید اتفاقات ناگوار در زمینه تاخیر در ارسال برنامه هفتم توسعه و لایحه بودجه سال آینده به مجلس را جبران کند.» گفته «دولت علی رغم عدم ارسال برنامه هفتم توسعه به مجلس بیش از دو هفته نیز در ارائه لایحه بودجه سال آینده تاخیر داشته است. این گونه اقدامات موجب نابسامانی در اجرای پروژه‌ها و عدم هماهنگی بین دستگاه‌ها می‌شود.»

کارشناسان سیاسی معتقدند متاثر از ناتوانی دولت رئیسی در نوشتن برنامه هفتم توسعه، اولوگرها در اندیشه تغییر ریل دولت به سمت دیگری هستند و برخی چهره‌ها از کم‌تکن با نگارش برنامه هفتم توسعه که قرار است دولت‌های سیزدهم و چهاردهم آن را اجرا کنند، برنامه‌ای را می‌نوسد که در آینده خودشان در پاستور اجرا کند.

خیر

معاون شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه:

خارج از کشور هم برای سلب‌ریتی‌ها امن نیست

معاون شورای سیاست گذاری ائمه جمعه کشور با تأکید بر اینکه ما در فتنه ۸۸ در حضور مردمی سلبی محکمی به آمریکا و جنایتکاران زدیم، گفت: در اغتشاشات اخیر نیز مردم در صحنه بودند و از همان ابتدا فهمیدند که هدف اصل دین است. رضوانی‌نسب با اشاره کشته‌سازی‌ها و دروغ برآکنی رسانه‌های معاند در جریان اغتشاشات، بیان کرد: بسیاری از سلب‌ریتی‌ها فکر می‌کنند خارج از کشور برایشان خانه امنی است در حالیکه اینطور نیست.

حجت‌الاسلام عباس رضوانی‌نسب ۹ دی‌ماه در خطبه‌های پیش از نماز جمعه ملایر، با بیان اینکه خلق حماسه ۹ دی ماه سال ۸۸ به برکت حضور مردم به عنوان بزرگترین ششواته نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بود، اظهار کرد: مردم در طول دوران انقلاب و هر گونه حادثه و فتنه‌ای از جانب دشمنان، در صحنه حضور داشتند و حماسه‌ای چون ۹ دی را خلق کردند که فتنه سال ۸۸ را نقش بر آب کرد. رضوانی‌نسب به اغتشاشات اخیر اشاره و مطرح کرد: حضور مردم پشت سر ولایت، این فتنه‌ها و اغتشاشات را نیز همانند ۹ دی‌ماه نقش بر آب کرد.

وی فشار حداکتری را از جمله اهداف دشمنان نظام در جریان اغتشاشات اخیر برشمرد و افزود: دشمن در طول بیش از چهار دهه گذشته با تمام توان در حال ضربه زدن به نظام اسلامی است و در آخرین مرحله جریان آشوب‌ها را از راه انداختند و تصور کردند با فشار حداکتری آشوب داخلی را مکمل این فشار خواهند کرد.

رضوانی‌نسب با اشاره به اینکه آمریکا و رژیم صهیونیستی رو به افول است، بیان کرد: طبق گفته مقام معظم رهبری، رژیم صهیونیستی تا چند سال آینده وجود نخواهد داشت و خودشان هم این را فهمیدند. وی پس تأکید بر اینکه آمریکا امروز در عرصه‌های مختلف جهانی، اجتماعی و سیاسی دیگر ابرقدرت نیست، گفت: آمریکا برای اینکه جلوی این افول را بگیرد باید اغتشاشات را در ایران ایجاد می‌کرد.